

(کنتم خیر امة اخرجت للناس) بهترین امة دنیا شما هستید.

این بشارتی و خوی از حیث باطن و اکمل و شرب و سایر امتیازات خقی نیست بلکه فقط در احکام و تعالیم اسلامی است. دین اسلام جمع تمام مسائل و موافق تمام اعصار و ابلاجات دنیا را با جمیع تقریرات بشری و تطورات انسانی در هر عصر و هر زمان هر گونه آفرینی در دنیا واقع شود در شریعت مطهره اسلام پیش بینی شده و احکام برایش وضع گردیده بهین واسطه شریعت اسلامی خاتمه تمام شرع و بعد از آن شریعت دیگری نیست زیرا شرع برای احتیاجات مردم وضع و خدا آنرا برای نظام معاش و معاد بندها کرده و قزل می کند.

شریعت اسلامی دارای جمع انتظامات دنیویه و اخروی و دستورات کلی است لذا احتیاجی به شریعت دیگری نماند و بهین واسطه حضرت محمد بن عبدالله ص را خاتم الانبیا قرار داده یعنی بعد از او پندیری نیست زیرا که حاجتی نیست

احتیاجات مردم در چیست ؟

احتیاجات مردم در امور اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و حقوق و عبادات است و اینها هم تمام بطور اکمل در شریعت مقدسه اسلامی موجود است. پس متشرع به شریعت اسلام کی است که از تمام دستورات اسلامی منقذ و تمام قدمت های آن را رعایت کند

بسی نصراقت بر خلاف اسلام بر و حاجت است ولی رومی آنها جور و است که حتی بر نصاری مستعمراتی تعدی وین آنها تولید نفق و خصومت می نمایند و دین بود عبادت است از ترویج عباد و یکسانه. مطالب دیگر انما با نام دین کار هستی دارند که معنی از آثار انسانی توان قبول کرد که سبب و علی شریعت موسی و عیسی م هم داشته باشد

اینها برای روی دین خود پاک اعتباری قائل شده اند نسبت به خلق از قبیل واسطه بودن بین حق و خلاق و غیر ذلك. بقا و این آنها حق دارند بگویند میبایست از روحانیت معزل است

و اما دین اسلام بر خلاف سایر ادیان در سیاست بر تمام مسائل و در حقوق و اقتصاد و اخلاق و معارف و تمام لوازم مدیریت بر تمام قوانین موضوعه بشری امتیاز هم بر قوی دارد بنا بر این نمی توان گفت که باید سیاست از روحانیت تفکیک شود و این الفا تعبیلاً از طرف ادوای

متمم (۱) برای قوی مشرقاً اندوخته اند افراد بی التام که خود را تجدید می یابند اگر قدری عمیق شوند تصدیق عواهد کرد که راه خطائی میروند زیرا مقدرات فوق ثابت می کند همان اندازه که تفکیک دین از سیاست موثر در ترقی و تعالی امة سالار است همان اندازه برای است اسلام مضر و موجب تزلزل و انحطاط و دلاخه فنا و انحاست

غنت حدوث این فکر در بین بعضی از افراد خود مانعاً برای یمن است که هم آنها حاضر برای فهمیدن احکام اسلام و دستورات محمدی (ص) شده و هم از طرف بعضی از متصدیان امور دینی کما هو حقه انجام وظیفه عمل نکرده است بنا بر این لازم است اجمالاً توضیحی در کلیات احکام اسلامی از قرآن و احادیث داده شده و حکمت آن بدست یمن و تمام مردم و اکتذری شود. پس از بیان مطالب اگر باز هم قائل این تفکیک شوند ما ساکت می شویم و لا قطعاً باید باینها خاتمه داده شود در جزئیات اخیر تعالی بر ما پیشود که گویا مرصع هستیم ولی خواستین سفارت و اوعامل سیاست استعاری انکلیس آزادی خواهند

برای دفع این نوهات و منع این آتربک های خارجی خوب است مراجع به شریعت اسلام نایم تا به یقین مرصع که و آزادی خواهی چیست و لازم است در کلیات صحبت کنیم زیرا اگر داخل جزئیات شویم مناسباً برای توضیح دفع نیست

آقایان ! شریعت اسلام آینه را که برای بشر لازم است چه از شرع ابقه و چه از اختراعات عصر حاضر داراست. دین اسلام اختصار عبادات نکرده آوردن برای تنظیم داده و وسیله آن ثواب و اجر در آخرت گذاشته

اولاً بدانند که حاجت شعبه (بر خلاف اسطره) بگویند خدا حکیم است یعنی هر کار را برای فایده میکند پس هر امر شرعی برای فایده وارد شده و ضرر و نفع او متوجه خدا نیست زیرا او غنی مطابق است پس نفع او عاید انسان است در دنیا زیرا در آخرت شخص اختیاری ندارد پس معانی دین این شده که شخص خوبی کند برای خود و برای جامعه مطابق دستورات الهی در دنیا و خدا عوض خوی های او در دنیا جزای خیر میدهد باو در آخرت

مثلاً بهین اسلام چه اندازه تاکید

در ترویج کسب و تجارت و زراعت کرده به یقین این دخلی عبادات داود یا فقط برای نفع دنیوی انسان است

در قرآن می فرماید (فامشوا فی ما کسبوا و کلوا من رزقه) یعنی بگردید در روی زمین و کوشش کنید و از رزق خدا بهره مند شوید

حضرت رسول (ص) می فرماید (جعل الله ربک تسعة اعشار فی تجارة و اباق فی الجود) یعنی نودا برکت را نه عشر در تجارت و یک عشر در نیت حیوانات قرار داده است کدام تجار اقتصادی یا مدر سیاسی می تواند اینطور عبارت بگوید؟ آنهایی که امروز خود را حکیم می دانند نظایر این حرفها را بیاید بگویند (اگر چه اسلام در هزار و سیصد سال و کثری پیش از این در موقعیکه بغیر از جهل چیزی نبرد این دستورات را داده) و لا از شریعت اسلامی چه می خواهد ؟

خدا در قرآن شریف می فرماید (و آیه ام الارض المینة احببناها و اخرجنا ما بها حیا فنه با کلون و جعلنا فیها جثات من نخل و اعقاب و فجرفا فیها من العیون لیاکوا من امره و ما عانه ایدهم افلا یشکرون) خلاصه معنی این است که

یکی از نعم و ایات الهی زمین است و خدا حاصل زراعی در آن ایجاد کرده تا انسان کار کند و از آن نتیجه بگیرد

یکی از اصحاب حضرت صادق آن جانب را دید که در باغ مشغول بیل کاری است و عرق از ساق پای مبارکش میریزد. آن شخص عرض کرد مگر مردم مرده اند ؟

(مقصودش این است که چرا آن حضرت خود را بدارند و زحمت بدارند و دیگران وادار انجام دادن کار های خود نمیکند)

حضرت فرمودند کسانی کار کرده و خود را در زحمت می انداختند که بفر از من ببرد من بودند حضرت رسول (ص) حضرت امیر م ساین با افر م در حدیث است که حضرت باقر (ع) فرمود (من وجد ماء و تراباً ثم افترقا بعده الله) کسیکه آب و خاک را میبندد و فقیر میبندد خدا او را دور کند (این نفرین و لعنت است) حضرت امیر م حصه خرما در دست مبارکش بود پرسیدند چیست ؟ فرمودند درخت خرما است

خلاصه در این زمینه اخبار زیادی است که اگر طالب تعالی عاقل باشیم باید از

آنها پیروی نایم

در اقتصادیات بهترین دستور عمل همان دستورات اسلام است

مثل دنیا را در دو قسم شده اند. یک قسم اقتصادی و سرمایه دار و یک قسم اشتراکی یا باثوایک قسم اول طرفدار احتکار و معتقدند باینکه هر کس عروسله ثروتی پیدا کرد بکسی نهدد (از قبیل انکلیس و آمریکا و فرانسه و بعضی ممالک دیگر) قسم دوم مخالف مالکیت شخصی و می گویند اگر ثروت اختصاص داشته باشد مدودی دوخته و سایرین فقیر و بد بخت می شوند (مثل روس و غیره) ولی شریعت اسلامی که شریعت وسطی است با تسبیق ثالث و یک رویه علی اتخاذ کرده که اگر انصاف را حکم قرار دهیم می بینیم که حسن اداره جامعه بشری رهین متابعت از این دستور مقدس است

اسلام از یکطرف مالکیت شخص را محفوظ داشته و این سبب رغبت و جدیت مردم است برای کار کردن و تولید ثروت و عمران زمین و از طرفی برای اینکه منع احتکار و جلوگیری از فقر کرده باشد قوانین از قبیل زکوة، خمس، کفارات، اوقف، صدقات، تشریق بسادت بایکدیگر و غیره وضع نموده که خیلی دقیق و جابج نوجاست

اسلام ربا را حرام کرده و در این باب آیات زیادی است یکی از حکم منع ربا اینست که آنرا باید خرید و فروش و با احتکار نشود و دیگر اینکه سعی و عمل وسیله اعانه و ارتزاق باشد و ثروت از راه کار تحصیل شود نه سرمایه و الا موجب تمرکز ثروت در یکجا و سبب بیکاری و فقی می شود

قرآن کریم می فرماید (ان الذین یکنزون الذهب و الفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فشرهم یعذاب الیم يوم یحسمو علیما فی نر جهنم فتکوی باجیهم و جوعهم هذا ما کنتم تلافکم فذوقوا اما کنتم تکفرون) یعنی کسانی که کتج می کنند طلا و نقره را و در راه خدافاق نمی کنند عذاب ایشان در روز قیامت این است که با همان پولها صورت و بدن آنها را داغ کرده و با آنها می گویند این کتج عائی است که در دنیا برای خود ذخیره کرده اید

سید الواری می گوید (مثات رسول الله (ص) ما حیر المال قل نعم البالار یوم و الکثرتون و وبل لاصحاب الیمین) یعنی از رسول خدا هم پرسیدم بهترین مال چه قدر است فرمود مال جهل شتر و منتهی شصت شتر است وای بر صاحبان صدقا تاجائی که سائل می گوید (انلی

ایلا یسندین الجلیین فقال رسول الله مالک احب الیک ام مال موالیک قال بل مالی فقال رسول الله انماک الذی اکثرت فاقبت وایست قایمت و باقیه لهوالیک) یعنی شتر من بقدری زیاد است که میان دو کوه را پری کند فرمود آیامال خود را دوست داری یا مال صکان خود را گفت مال خود را فرمود مال تو همان است که خوردی و فانی کردی و پوشیدی و کتبه کردی و با آن آ مال کان تو است راوی در مقابل این فرمایش حضرت عرض کرد (لا لا رجعت لافتن عددها فرجع فافتن جمیع الله الامان) اگر برگردم عدده شتر خود را کم می کنم پس از مراجعت تمام شتران خود را پیش کرد مگر یکی از آنها که نگاه داشت و باز در قرآن می فرماید (و ما افأ الله علی رسوله من اهل اقربی فانه و الرسول و لذی اقربی و الذین و الساکین و ابن السبیل کی لا یرون دولة بین اغنیاء منکم) خلاصه معنی این است که آنچه از غنائم عاید می شود بین صنف غنایه تقرا باید تقسیم شود قادرانی محض اغنیاء باشند

شریعت اسلامی حرفهای تابع فریقین را گرفت و قسمتهای مضر آن را در کرد حالا هر يك از روسای اقتصاد و اشتراکیون راهی بهتر از این دارند بگویند

شریعت اسلام برای حل هر پیش آندی که مورد احتیاج و حقیقتاً مفید و موثر در سعادت جامعه باشد راهی باز کرده و پیش بینی نموده

یکی دیگر قضیه حقوق است سابقاً می گفتند قضاوت اسلامی ساده است و در جائی قائل شده و این را قض می دانستند ولی حالا تازه تصدیق می کنند که قضای اسلامی بدیل همان سادگی که سابقاً قص آن می دانستند بهترین دستور قضائی است زیرا تازه تشخیص داده اند که استیفاف و تمیز چندان تأثیری در حسن جریان محاکمه ندارد زیرا همان جسته که در ابتدائی يك حق قضیع شده مانی نیست از اینکه در استیفاف و تمیز هم این حق کسی بشود منتهی چیزی که هست علاوه بر قضیع حق مدتی مدید هم معطل شده و مانی که بیا بشود بیش از اصل دعوی باشد مضر گردیده بهین نظر است که امروز غالب سوسیالیست های دنیا معتقدند که باید محاکمه بکدرجه وساده باشد تا هم زود تکلیف معین شود و هم کتر طرفین دچار ضرر و خسارت شوند

اسلام در این قسمتهای بلخصه میانی